

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی  
۱۶ جولای ۲۰۱۳

## روزه و سن بلوغیت

اجماع علماء اسلام بر اینست که روزه (ماه رمضان) بر هر شخص مسلمان، عاقل، بالغ، سالم و مقیم فرض است. مسأله حیض و نفاس درحالت زن و پاک بودن وی از این حالت تفصیل خویش را دارند. (برای معلومات مزید مراجعه شود به فقه السنه: ۱/۵۰۶ ط الریان)

### امامفهوم شرط بلوغ:

شرط بلوغ بدین معنی است که مسلمانی که به سن بلوغ رسیده باشند و توانمندی گرفتن روزه را داشته باشند، روزه بالای آنان فرض میگردد. این بدین معنی است: کسانی که به سن بلوغ نرسیده اند گرفتن روزه بالای آنان فرض نمی باشد، و تکلیف شرعی ندارند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد میفرماید:

«رفع القلم عن ثلاثة: عن المجنون حتى یفیک، وعن النائم حتى یستیقظ، وعن الصبي حتى یحتلم» «تکلیف از سه دسته برداشته شده است: از دیوانه تا زمانی که هوشیار شود و از به خواب رفته تا تا زمانی که بیدار شود و از کودک تا بالغ شود». (صحیح جامع صغیر: ۳۵۱۴)، (سنن الترمذی: ۲/۱۰۲/۶۹۳).

### مفهوم شرط قادر بودن:

شرط قادر بودن به این معنی است که وقتی يك نفر مسلمان توان گرفتن روزه را داشته باشد بالای وی گرفتن روزه فرض می گردد، ولی مریضان که توان گرفتن روزه را ندارند و با گرفتن روزه وضعیت صحی آنان به هم می خورد و دوکتوران برای آنان گفته باشند در صورتی که روزه بگیرند به وضعیت جسمانی شان ضرر میرسد در این صورت گرفتن روزه بر آنان فرض نبوده. هر زمانی که از مریضی بهبود یابند و عذر موجود مرفوع گردد به قضاء آن مبادرت ورزند.

### روزه گرفتن کودکان

درفوق تذکار یافت که روزه بالای کسانی فرض می گردد که به سن بلوغ رسیده باشد، و اطفالی که تا هنوز به سن بلوغ نرسیده باشند، روزه گرفتن بر آنان واجب نمی باشد، ولی بر مسلمانان است اطفال خویش را اگر شرط قادر بودن را داشته باشند و بدون مشقت و سختی می توانند روزه بگیرند، به روزه گرفتن وادارش کنند، تا این عمل به حیث

عادت شان مبدل گردد. زیرا صحابه فرزندان خردسال خود را به روزه گرفتن وادار می نمودند. (بخاری (۱۹۶۰). مسلم (۱۱۳۶).

راویان می افزیند، تا جایی که بعضی از کودکان در اثر سختی روزه گریه می کردند و صحابه به آنان اسباب بازی می دادند تا با آن خود را مشغول کرده و سختی روزه را احساس نکنند.

«عَنْ الرَّبِيعِ بِنْتِ مُعَوِّذٍ قَالَتْ: أُرْسِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَدَاةَ عَاشُورَاءَ إِلَى قُرَى الْأَنْصَارِ: «مَنْ أَصْبَحَ مُفْطِرًا فَلَيْتَمَ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ وَمَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا فَلَيْتَمُ» قَالَتْ: فَكُنَّا نَصُومُهُ بَعْدَ وَنُصَوِّمُ صِنِّيَانَنَا وَنَجْعَلُ لَهُمُ اللَّعْبَةَ مِنَ الْعِهْنِ فَإِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ عَلَى الطَّعَامِ أَعْطَيْنَاهُ ذَلِكَ حَتَّى يَكُونَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ. (بخاری: ۱۹۶۰) (ربیع دختر معوذ رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم صبح روز عاشورا به قریه ها و محله های انصار، قاصد فرستاد تا اعلام کنند که: «هرکس از صبح، روزه نگرفته است، بقیه روز، روزه بگیرد. و هرکس، روزه بوده است، روزه اش را ادامه دهد». ربیع بنت معوذ می گوید: بعد از آن، ما روز عاشورا را روزه می گرفتیم و فرزندان خرد سال خود را نیز وادار به روزه گرفتن می کردیم. و برای آنها عروسکهای پشمی می ساختیم و هر وقت یکی از آنها برای غذا گریه می کرد، او را با آن عروسک، سرگرم می کردیم تا این که وقت افطار، فرا می رسید.) ولی نباید فراموش کرد:

**اگر ثابت شود که گرفتن روزه برای اطفال ضرر می رساند باید اطفال را از روزه گرفتن منع نمود. در مورد شیخ ابن عثیمین می نویسد:** «بدلیل این که الله تعالی ما را از سپردن اموال کودکان به دست آنان منع نموده است زیرا بیم آن می رود که مالش را هدر دهد. پس دقت کنید وقتی که الله تعالی مسلمانان را از سپردن مال کودکان به آنان منع نموده تا از ضرر و زیان مالی در امان باشند، پس به طریق اولی باید ضرر های جسمی را از آن ها دور کرد، ولی باز هم نباید برای جلوگیری، از روش سخت گیرانه استفاده کرد زیرا سخت گیری در امر تربیت کودکان کاری پسندیده و جالب نیست. (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتوای شیخ ابن عثیمین- فقه العبادات- ص (۲۲۵)

### سن بلوغ در اسلام

قبل از همه باید گفت که در فهم دین مقدس اسلام بلوغ دختران و پسران سن خاص و مشخصی ندارد و ممکن است این سن در همه یکسان نباشد، بنابراین تعیین کردن دقیق سن به عنوان سن بلوغ اشتباه است، بلکه صحیح آنست که به **نشانه های بالغ شدن دختر و پسر نظر انداخته شود**، بدین صورت که:

هرگاه پسری محتلم شد و یا منی از او خارج گشت و یا آن که موی شرمگاه او نمایان شد، و در دخترها علاوه بر آن سه نشانه مذکور برای پسرها، دچار **عادت ماهیانه** (حیض) شد، در هر سنی که باشند: وجود تنها یکی از این نشانه ها، نشانه بلوغ آنهاست و از همان لحظه به بعد آنها شرعاً بالغ محسوب می شوند و اگر جنون نداشته باشند- موظف به انجام تکالیف شرعی خود اعم از نماز و روزه و دیگر عباداتی که بر هر زن و مرد مسلمان بالغی واجب است، هستند. بنابراین ممکن است که دختری در سن هفت سالگی و دیگری در نه سالگی دچار حیض شود و همانسال سن بلوغش است و همینطور یک پسر ممکن است در سن دوازده سالگی محتلم شود و دیگری در سن پانزده سالگی..

اما اگر بالفرض سن دختر یا پسر از حد معینی بالاتر رفت ولی نشانه های بلوغ در او یافت نشد، در اینصورت علماء سن مشخصی را ملاک بلوغ قرار داده اند، مثلاً در مذهب امام شافعی سن پانزده سالگی برای دختران و پسران را محدوده نهائی قرار داده اند، یعنی اگر دختری به پانزده سالگی برسد ولی نشانه های بلوغ در او دیده نشود، باز او بعد از پانزده سالگی (کامل) به عنوان مکلف شرعی موظف است تا عبادت و تکالیف شرعی را انجام دهد و همینطور سن پانزده سالگی برای پسرها هر چند که نشانه های (حیض، یا احتلام یا خروج منی، یا روئیدن مو بر شرمگاه) دیده نشوند.

اما در مذهب امام ابوحنیفه و امام مالک گفته‌اند کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی‌شود تا این که به سن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام صاحب ابوحنیفه هفده سال نقل شده است. و درباره دختر گفته است باید به سن هفده سالگی برسد و داوود گفته است: انسان با سن بالغ نمی‌شود، مادام که احتلام نیابد اگر چه چهل ساله هم باشد. (برای معلومات مزید مراجعه شود به: فقه السنه سید سابق).

اما علمای تابع امام ابوحنیفه (یعنی علمای حنفی) گفته‌اند که محدوده نهائی برای دختر و پسر پانزده سالگی کامل است، و این نظر مذهب حنابله نیز می‌باشد.

### **جمع‌بندی کلی سن بلوغ در نزد علماء :**

- امام ابوحنیفه:

سن نهائی تعیین بلوغ برای دختران و پسران را هفده سالگی دانسته است.

- امام ابویوسف و محمد :

سن بلوغ دختران و پسران را ۱۵ سالگی می‌دانند.

- امام مالک

علمای مالکی : اتمام ۱۸ سال را برای پسران و دختران سن بلوغ تعیین نموده‌اند .

- امام شافعی :

علمای مذهب شافعی : اتمام ۱۵ سال قمری را برای پسر و دختر سن بلوغ دانسته‌اند .

حنابله:

علمای حنابله : اتمام ۱۵ سال قمری را برای پسر و دختر سن بلوغ دانسته‌اند .

ظاهریه:

می‌گویند : هرگاه نشانه بلوغ ظاهر شود و سن مهم نیست.

البته همانطور که گفته شد اگر کسی قبل از آن سنین در وی نشانه‌های بلوغ ظاهر شود، او از همان لحظه به عنوان مکلف شناخته می‌شود، مثلاً ممکن است دختری در نه سالگی بالغ شود و پسری در دوازده سالگی، ولی اگر هیچ علامتی از بالغ شدن در او دیده نشود، در آنصورت ملاک سنین فوق هستند، یعنی با رسیدن به این سن احکام شرعی بر آنها واجب خواهد شد.

### **آیا بلوغ زودرس در شریعت برای اجرای قوانین اسلامی معتبر است؟**

**علماء در تحقیقات خویش می‌گویند : رسیدن به سن بلوغ با یکی از نشانه‌های زیر به ثبوت می‌رسد:**

۱- خروج منی از وی، خواه در خواب باشد و یا بیداری، چون خداوند می‌فرماید: «وإذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأذنوا كما استأذن الذين من قبلهم» (سوره نور آیت ۵۹)

(هرگاه اطفال شما به سن بلوغ رسیدند و محتلم شدند، باید بدون اجازه بر شما وارد نشوند، همانگونه که کودکان پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند) .

همچنان در حدیثی که به روایت ابوداود از علی بن ابیطالب، پیامبر صلی الله علیه و سلم که در فوق تذکر یافت «رفع القلم عن ثلاث: عن الصبی حتی یحتلم. وعن النائم حتی یستیقظ وعن المجنون حتی یفیک» (از سه کس قلم تکلیف برداشته شده است: از کودک تا این که احتلام شود و از به خواب رفته تا این که بیدار گردد و از دیوانه تا این که بهبودی حاصل کند و رشد خویش را باز یابد) .

همچنان حضرت علی کرم وجهه در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه می‌فرماید :

«لایتم بعد احتلام» (بعد از احتلام یتیمی وجود ندارد و دیگر یتیم نیست) (به روایت ابوداود و بخاری).

## ۲- در مورد تکمیل سن پانزده سالگی روایت داریم از ابن عمر :

ابن عمر می فرماید : در روز جنگ « احد » عمر من به چهارده می رسید ، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتم ، و در مورد اشتراک خویش از آنحضرت صلی الله علیه وسلم طالب هدیت شدم که آیا من می توانم در جنگ اشتراک نمایم یا خیر ؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم چون چهارده ساله بودم حق اشتراک را برای من در جنگ احد نداد . ولی در غزوه خندق که پانزده سال عمر داشتم ، پیامبر صلی الله علیه وسلم حق شرک در این غزوه را برای من داد . مؤرخین می نویسند : چون عمر بن عبدالعزیز این مطلب را شنید به مسؤلین خویش هدایت فرمود : کسی را به جنگ نفرستند مگر این که به پانزده سالگی رسیده باشند و شخصی که به سن پانزده سالگی نرسیده باشد به وی تعرض نکنند . امام ابوحنیفه و امام مالک مسأله احتلام را شرط بلوغ دانسته و می فرمایند : کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی شود تا این که به سن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام صاحب ابوحنیفه هفده سال نقل شده است . اما امام صاحب ابوحنیفه در باره سن بلوغ دختر می گوید که دختر باید به سن هفده سالگی برسد . اما امام صاحب داوود می فرماید : « انسان با سن بلوغ نمی شود، تا زمانی که احتلام نیابد اگرچه به سن چهل سالگی هم رسیده باشد . »

۳- روئیدن موی سیاه زهار که موی سیاه مجعد است، نه مطلق موی، که مطلق موی در زهارکودکان نیز هست . در جنگ بنی قریظه مرد را با روئیدن موی زهار می شناختند و هرکس موی زهارش روئیده بود، به وی اجازه شرکت در جنگ داده می شد .

امام صاحب ابوحنیفه می فرماید : با روئیدن موی، هیچ حکمی ثابت نمی شود و روئیدن موی زهارنه بلوغ است و نه علامت بلوغ .

۴- قاعده شدن و آبستن شدن، و با این سه علامت قبلی که ذکر شد بلوغ پسر و دختر ثابت می شود و علائم بلوغ دختران علاوه به آنها قاعده شدن و آبستن شدن نیز هست . در حدیثی که امام بخاری از حضرت بی بی عایشه روایت کرده آمده است که : پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است : « لا یقبل الله صلاة حائض إلا بخمار » (خداوند نماز زن به حیض افتاده بالغ را نمی پذیرد تا این که روسری داشته باشد و بدون آن نمی پذیرد .)

و اما رشد عبارت است از قدرت بر اصلاح مال و حفظ و نگهداری آن از ضایع شدن، که به صورت واضح و آشکار در معاملات مالی بیش از حد معمول و غالب، مغبون و زیان دیده نشود و مال را در راه حرام صرف نکنند، پس هرگاه کسی بالغ شد و رشد نداشت، ولایت مالی بر او ادامه دارد و از تصرفات (فقط) مالی ممنوع است .

تا این که علائم رشد در وی به ظهور رسد، بدون تحدید سن یعنی رشد مدرک عمل است نه سن معینی، برابر ظاهر نص قرآنی چنین است . به خلاف ابوحنیفه که سن معینی را در نظر گرفته است، هرگاه پس از رسیدن به رشد از او سفاهت ظاهر شد، مجدداً بر وی حجر نهاده می شود، چون به قول جصاص ضرر سفاهت به همه برمی گردد، چون هرگاه سفیه مال خود را با اسراف و تبذیر تلف کند، او محتاج می شود و وبال بر مردم و بیت المال است و این از جهت ولایت مالی است و اما ولایت بر نفس به مجرد رسیدن به سن بلوغ و عاقل شدن، این ولایت از اقطع و مکلف می گردد . و او می تواند در مال خود تصرف کند .

در تفسیر آیت : « فإن أنستم منهم رشدا ، » از سعید بن منصور به نقل از مجاهد روایت شده است که گفت : عقل، یتیمی را از یتیم دور نمی سازد، اگرچه سنش نیز بزرگ شده باشد مگر این که به رشد برسد و رشد ملاک است نه عقل . (منبع : فقه السنه سید سابق)

اما در سایت معتبر اسلامی (اسلام وب) در باره کودکی که زود بالغ می شود چنین نوشته است :

« اگر کودک در سن پائین محتلم شود، در اینصورت شرع با وی همانند بالغین معامله می کند به جز حج، که بر وی واجب نمی شود مگر در صورت توانائی مالی و بدنی. به دلیل فرموده الله تعالی که می فرماید:

« **وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا** » (آل عمران: ۹۷) یعنی: و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانائی رفتن به سوی آن دارند. و اما اگر به سبب غرق شدن بمیرد، حکم شهید را دارد زیرا این حکم در سنت نبوی ثابت شده است. (برای معلومات بیشتر در این زمینه به کتابهای اصولی فقه مراجعه کنید.)

### **والله اعلم بالصواب**

#### **تتبع ونگارش:**

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و

مسئول مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی